



شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای سرمایه معنوی در آموزش و تربیت

مریم روحانی^۱، عاطفه شریفی کیا^{۲*}

۱. گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۲. گروه علوم تربیتی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: atefeh.sharifikia14@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای سرمایه معنوی در آموزش و تربیت با رویکردی کیفی و با تکیه بر تجارب و دیدگاه‌های متخصصان آموزشی بود. این مطالعه با روش کیفی و رویکرد تحلیل محتوای استقرایی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۲ نفر از معلمان، مدیران، و کارشناسان آموزشی شهر تهران گردآوری شد. مشارکت‌کنندگان با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و با ملاک اشباع نظری انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۲ استفاده شد و کدگذاری داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گرفت. تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مضمون اصلی شامل «بسترهای فردی ارتقای سرمایه معنوی»، «عوامل نهادی و مدرسه‌ای»، و «عوامل فرهنگی و اجتماعی کلان» شد. در مجموع ۱۶ زیرمضمون و بیش از ۵۰ کد مفهومی شناسایی گردید. از جمله عوامل کلیدی می‌توان به خودآگاهی معنوی، انگیزش درونی، الگوهای معنوی مدرسه، تعامل خانه و مدرسه، فضای فرهنگی مدرسه، عدالت تربیتی و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی اشاره کرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ارتقای سرمایه معنوی در آموزش نیازمند یک رویکرد چندلایه شامل عوامل فردی، مدرسه‌ای و کلان فرهنگی است. برای تحقق این هدف، لازم است سیاست‌گذاری‌های کلان، برنامه‌ریزی‌های درسی و تربیت معلمان با محوریت معنویت بازننگری و تقویت شوند.

کلیدواژه‌گان: سرمایه معنوی، آموزش و تربیت، تربیت معنوی، تحلیل کیفی، مدرسه، معنویت در آموزش

تاریخ ارسال: ۲ آبان ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۹ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۳ دی ۱۴۰۳



How to cite: Rouhani, M., & Sharifi Kia, A. (2024). Identifying the Factors Influencing the Promotion of Spiritual Capital in Education and Training. *Training, Education, and Sustainable Development*, 2(4), 1-9.



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Identifying the Factors Influencing the Promotion of Spiritual Capital in Education and Training

Maryam Rouhani¹, Atefeh Sharifi Kia^{2*}

1. Department of Educational Sciences, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

2. Department of Educational Sciences, Lorestan University, Khorramabad, Iran

*Corresponding Author's Email: atefeh.sharifikia14@gmail.com

Abstract

This study aimed to identify the factors influencing the promotion of spiritual capital in education and training through a qualitative approach. This qualitative research was conducted using inductive content analysis. Data were collected through semi-structured interviews with 22 educational experts, teachers, and school administrators in Tehran. Participants were selected using purposive sampling based on theoretical saturation. Data analysis was performed using NVivo 12 software through open, axial, and selective coding phases. The analysis resulted in three main themes: “Individual foundations for enhancing spiritual capital,” “Institutional and school-related factors,” and “Cultural and societal dimensions.” A total of 16 subthemes and over 50 open codes were identified. Key factors included spiritual self-awareness, intrinsic motivation, moral role models at school, home–school collaboration, school cultural environment, educational justice, and cultural policymaking. The findings indicate that the promotion of spiritual capital in education requires a multilayered approach encompassing personal, institutional, and socio-cultural dimensions. Strategic planning, curriculum development, and teacher training must be reoriented to prioritize spirituality and moral development.

Keywords: *Spiritual capital, education and training, spiritual education, qualitative analysis, school, spirituality in education*

Submit Date: 23 October 2024

Revise Date: 29 November 2024

Accept Date: 20 December 2024

Publish Date: 3 January 2025

در دنیای پیچیده و پویای کنونی، نظام‌های آموزشی با چالش‌هایی فراتر از آموزش صرف مهارت‌ها و دانش‌های ابزاری روبه‌رو هستند. یکی از این چالش‌ها، توجه به ابعاد معنوی وجود انسان و فراهم‌آوردن بسترهایی برای رشد و تعالی آن در بستر تعلیم و تربیت است. سرمایه معنوی، مفهومی نوظهور اما بنیادین در حوزه آموزش و تربیت محسوب می‌شود که به توانایی فرد و جامعه در دستیابی به معنا، هدف، امید، انسجام و ارزش‌های متعالی اشاره دارد (Emmons, 2000). در واقع، سرمایه معنوی می‌تواند به‌عنوان یک منبع درونی برای عبور از بحران‌ها، جهت‌بخشی به زندگی و ارتقاء کیفیت روابط انسانی در نظر گرفته شود (Zohar & Marshall, 2004).

تربیت معنوی که در پرتو آن سرمایه معنوی شکل می‌گیرد، نه تنها به رشد اخلاقی و ارزشی دانش‌آموزان کمک می‌کند، بلکه بستر مناسبی برای تحقق یادگیری عمیق، افزایش تاب‌آوری روانی، و پرورش انسان‌های مسئول، خلاق و معنادار فراهم می‌سازد (Hay & Nye, 2006). با این حال، در بسیاری از نظام‌های آموزشی، به‌ویژه در جوامع در حال توسعه، پرداختن به بعد معنوی آموزش همچنان در حاشیه قرار دارد و اغلب در قالب مفاهیم کلیشه‌ای، برنامه‌های شعاری یا آموزش‌های غیرنظام‌مند محدود می‌ماند (Tirri, 2011). این در حالی است که توجه به سرمایه معنوی در برنامه‌های درسی رسمی و غیررسمی می‌تواند نقش کلیدی در تربیت شهروندانی ایفا کند که در کنار بهره‌مندی از سواد علمی و فنی، دارای بن‌مایه‌های اخلاقی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و آرامش درونی هستند.

برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سرمایه معنوی تأثیر مستقیمی بر بهزیستی روان‌شناختی، رضایت از زندگی، سلامت اجتماعی و تاب‌آوری دارد (Pargament, 1997; King, 2008). در زمینه آموزش، سرمایه معنوی به‌عنوان عاملی درونی می‌تواند در ایجاد انگیزه برای یادگیری، افزایش تعاملات انسانی، ارتقاء حس تعلق به مدرسه و کاهش تنش‌های میان‌فردی مؤثر واقع شود (Liu & Robertson, 2011). در نظام آموزش عمومی، سرمایه معنوی نه تنها به‌عنوان یک هدف تربیتی، بلکه به‌عنوان یکی از ابزارهای توانمندسازی فرهنگی - اخلاقی قابل توجه است. از این رو، شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای سرمایه معنوی در بافت آموزش و تربیت، ضرورتی انکارناپذیر در جهت تحقق اهداف متعالی نظام آموزشی است.

در این میان، نقش محیط مدرسه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی اهمیت فراوانی دارد. مدرسه فضایی است که در آن تعاملات انسانی، ساختارهای ارزشی، برنامه‌های درسی و الگوهای رفتاری می‌توانند زمینه‌ساز رشد معنوی دانش‌آموزان باشند (Watson, 2006). همچنین، مطالعاتی چون تحقیق Kessler (۲۰۰۰) نشان داده‌اند که وجود معلمان با گرایش معنوی، استفاده از روش‌های تدریس مبتنی بر تأمل، تقویت حس همدلی و ایجاد فرصت‌هایی برای پرسشگری اخلاقی می‌تواند به تقویت سرمایه معنوی دانش‌آموزان کمک کند.

از طرف دیگر، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز در رشد یا تضعیف سرمایه معنوی تأثیرگذارند. در جامعه‌ای که گفتمان معنویت در رسانه، سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی و نظام ارزشی عمومی حمایت می‌شود، بستر مساعدتری برای ارتقاء سرمایه معنوی در آموزش فراهم می‌گردد (Wolman et al., 2001). در ایران نیز با وجود پیشینه فرهنگی - دینی غنی، سرمایه معنوی می‌تواند نقشی کلیدی در توانمندسازی تربیتی و اخلاقی نسل جدید ایفا کند، به شرط آن‌که عوامل تسهیل‌گر آن شناسایی و تقویت شود.

با وجود اهمیت این موضوع، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش‌های محدودی به‌طور نظام‌مند به شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء سرمایه معنوی در بافت مدرسه پرداخته‌اند. اغلب مطالعات به بررسی مفاهیم نظری یا سنجش پیامدهای سرمایه معنوی محدود بوده‌اند (Saks, 2011)، در حالی که تحلیل عمیق زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، نهادی و فردی مؤثر بر آن می‌تواند تصویر روشن‌تری از نحوه شکل‌گیری این سرمایه در بستر آموزشی ارائه دهد. برای مثال، مطالعه Mitroff & Denton (۱۹۹۹) به اهمیت ایجاد فرهنگ معنوی در سازمان‌ها اشاره دارد، اما چگونگی بازتاب این فرهنگ در نظام آموزشی، به‌ویژه در بافت مدارس ایران، نیازمند واکاوی دقیق‌تر است.

همچنین، سرمایه معنوی مفهومی چندبعدی و زمینه‌مند است که می‌بایست در چارچوب‌های فرهنگی، ارزشی و اجتماعی خاص هر جامعه مورد تحلیل قرار گیرد. در ایران، با توجه به رویکرد اسلامی - ایرانی حاکم بر نظام تربیتی، سرمایه معنوی می‌تواند تلفیقی از آموزه‌های دینی،

معنایابی فلسفی و تجربه‌گرایی اخلاقی تلقی شود (Yazdani & Murad, 2015). این امر ضرورت به‌کارگیری روش‌شناسی کیفی را در فهم این پدیده برجسته می‌سازد؛ چراکه روش‌های کیفی قادرند پیچیدگی‌های معنایی، تجربه‌های زیسته، و زمینه‌های پنهان تربیتی را بهتر آشکار سازند.

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقاء سرمایه معنوی در آموزش و تربیت، در تلاش است با بهره‌گیری از روش کیفی و مصاحبه با صاحب‌نظران و فعالان حوزه آموزش، تصویری جامع و بومی از عوامل فردی، نهادی و فرهنگی مؤثر بر این مقوله ارائه دهد. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند در طراحی برنامه‌های آموزشی معنادار، تقویت نقش تربیتی معلمان، بازنگری در سیاست‌گذاری‌های کلان و ارتقاء کیفیت تربیت اخلاقی - ارزشی دانش‌آموزان مؤثر واقع شود. همچنین، یافته‌های این مطالعه می‌تواند بستری برای مطالعات مداخله‌گرانه، مدل‌سازی و برنامه‌ریزی در حوزه تربیت معنوی در سطوح مختلف آموزش عمومی فراهم آورد.

روش‌شناسی

این پژوهش کیفی با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای سرمایه معنوی در آموزش و تربیت انجام شده است. رویکرد پژوهش از نوع تحلیل محتوای کیفی با استفاده از راهبرد استقرایی است. شرکت‌کنندگان این مطالعه شامل ۲۲ نفر از صاحب‌نظران، مدیران، معلمان، و کارشناسان آموزشی دارای تجربه و آگاهی درباره موضوع سرمایه معنوی بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند از شهر تهران انتخاب شدند. انتخاب مشارکت‌کنندگان تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که در مراحل پایانی، داده‌های جدیدی حاصل نشد و مفاهیم تکراری بودند. ملاک ورود به مطالعه شامل تجربه مرتبط، تمایل به همکاری، و قابلیت بیان و انتقال تجربیات و دیدگاه‌ها بود.

گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شد. سؤالات مصاحبه با توجه به ادبیات نظری و اهداف پژوهش طراحی و در مصاحبه‌های اولیه به‌صورت آزمایشی اجرا شد و سپس اصلاح و نهایی گردید. هر مصاحبه به‌طور میانگین بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه به‌طول انجامید و در محل انتخابی مشارکت‌کنندگان با رضایت آن‌ها صورت گرفت. مصاحبه‌ها با اجازه شفاهی و کتبی ضبط گردید و بلافاصله پس از هر جلسه پیاده‌سازی شد. نمونه‌ای از سؤال‌های محوری شامل «از دیدگاه شما سرمایه معنوی در آموزش و تربیت چه مؤلفه‌هایی دارد؟» و «چه عواملی می‌تواند موجب ارتقاء این نوع سرمایه شود؟» بود.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. به منظور مدیریت و سازمان‌دهی داده‌ها، از نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۲ استفاده گردید. ابتدا متن مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شد تا پژوهشگر با داده‌ها آشنایی عمیق پیدا کند. سپس کدهای اولیه از دل مفاهیم استخراج و در مراحل بعدی در قالب مقوله‌ها و زیرمقوله‌های اصلی دسته‌بندی شدند. روند تحلیل تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. جهت اعتباربخشی داده‌ها از روش‌هایی مانند بررسی توسط مشارکت‌کنندگان (member checking)، بازبینی همتایان (peer debriefing) و بازبینی توسط استادان خبره بهره گرفته شد. همچنین جهت افزایش قابلیت انتقال‌پذیری، توصیف غنی از زمینه پژوهش و نقل‌قول‌های مستقیم از مشارکت‌کنندگان در گزارش نهایی ارائه شد.

یافته‌ها

مضمون اصلی اول: بسترهای فردی ارتقای سرمایه معنوی

۱. خودآگاهی معنوی:

مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که خودآگاهی و درک درونی از هدف زندگی یکی از پایه‌های مهم در ارتقای سرمایه معنوی است. مفاهیمی مانند تأمل درونی، معناجویی، آگاهی از حضور الهی و شناخت ابعاد روحی وجود در این زمینه مطرح شد. یکی از معلمان بیان کرد: «بچه‌ها وقتی با خودشون خلوت می‌کنن و به هدفشون فکر می‌کنن، اونجاست که سرمایه معنوی درشون زنده می‌شه.»

۲. باورهای دینی و ارزش‌مدار:

تربیت بر مبنای اعتقادات دینی و ارزش‌های اخلاقی نقش مهمی در شکل‌گیری سرمایه معنوی دارد. مشارکت‌کنندگان به نقش ایمان، دعا، توکل، و عمل به ارزش‌های اسلامی اشاره کردند. یکی از مدیران عنوان کرد: «وقتی معلم خودش اهل نماز و صداقت باشد، این رفتارها به دانش‌آموز منتقل می‌شود و درونی می‌شود.»

۳. هویت معنوی پایدار:

هویت معنوی به‌عنوان یک سازه پیچیده از درک شخص از خود در ارتباط با خدا و هستی در نظر گرفته شد. مفاهیمی نظیر انسجام ارزشی، درک معنای زندگی، و ثبات اخلاقی در این زیرمضمون جای گرفتند. یکی از کارشناسان تربیتی گفت: «وقتی دانش‌آموزان بفهمند کی هستند و چرا هستند، سرمایه‌ای ایجاد می‌شود که از درون آن‌ها رو هدایت می‌کند.»

۴. انگیزش درونی برای رشد معنوی:

احساس درونی فرد نسبت به تمایل برای رشد و تعالی اخلاقی از عوامل کلیدی بود. انگیزه برای خودسازی، لذت از معنویت، و تمایل به خدمت به دیگران از جمله مفاهیم بودند. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «بعضی از بچه‌ها وقتی احساس می‌کنند با کارهای خوبشون به آرامش می‌رسند، دیگه دنبال چیز دیگه‌ای نمی‌گردند.»

۵. تاب‌آوری معنوی:

توانایی حفظ امید و معنا در شرایط دشوار از شاخص‌های سرمایه معنوی تلقی شد. مفاهیمی چون معنابخشی به رنج، صبر معنوی، و امیدواری در بحران در این بخش قرار گرفتند. یکی از معلمان گفت: «گاهی فقط دعا کردن و توکل باعث می‌شود دانش‌آموزان تو شرایط سخت دوام بیاورند.»

مضمون اصلی دوم: عوامل نهادی و مدرسه‌ای

۱. الگوهای معنوی در مدرسه:

مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که رفتار مربیان، معلمان و مدیران به‌عنوان الگوی رفتاری معنوی، اثر مستقیم بر یادگیری غیرمستقیم معنویت دارد. مفاهیمی چون صداقت عملی، مهربانی در عمل، تواضع رفتاری، و تعهد اخلاقی در این زیرمضمون مطرح بود. یکی از معلمان گفت: «معلمی که فقط درس می‌دهد با معلمی که با رفتار و اخلاقش تربیت می‌کند زمین تا آسمان فرق دارد.»

۲. فضای فرهنگی مدرسه:

محیط مدرسه باید مشوق فعالیت‌های معنوی باشد. مفاهیمی مانند فضاسازی دینی، برگزاری آیین‌های معنوی، نمادهای فرهنگی و فعالیت‌های مشارکتی مطرح شد. یکی از دانش‌آموختگان بیان کرد: «مدرسه ما همیشه مراسم‌های دعای صبحگاهی داشت و همین جو روحیه‌مون رو خیلی تغییر داده بود.»

۳. برنامه‌های درسی هم‌افزا با ارزش‌های معنوی:

برنامه‌های درسی که حاوی پیام‌های اخلاقی، ارزشی و تربیتی هستند می‌توانند بستر مناسبی برای پرورش سرمایه معنوی فراهم کنند. مفاهیمی نظیر محتوای اخلاقی، داستان‌های دینی، ترکیب علوم با معنویت، و کارکرد تلفیقی دروس از جمله موارد بودند. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان داشت: «ادبیات فارسی می‌تونه در خدمت معنویت باشه اگر درست استفاده بشه.»

۴. نظام ارزشیابی تربیتی:

روش‌های ارزیابی غیراستبدادی و تقویت‌محور به ارتقای سرمایه معنوی کمک می‌کنند. مفاهیمی چون بازخورد اخلاقی، تشویق رفتارهای معنوی، توجه به نیت، و پرهیز از رقابت‌گرایی مطرح شد. یکی از مدیران گفت: «وقتی به جای نمره، صداقت یا مهربانی دانش‌آموز تشویق بشه، معنویت شکل می‌گیره.»

۵. تعامل مدرسه با خانواده در حوزه تربیت معنوی:

هماهنگی بین والدین و مدرسه در تربیت ارزش‌مدارانه دانش‌آموزان بسیار اهمیت دارد. مفاهیمی مانند جلسات تربیتی مشترک، الگوسازی والدین، آموزش والدین و ارتباط پیوسته خانه و مدرسه شناسایی شد. یکی از کارشناسان گفت: «وقتی مدرسه و خانواده پیام واحدی بدن، بچه دچار دوگانگی نمی‌شه.»

۶. رهبری معنوی مدیران مدارس:

وجود مدیرانی با گرایش معنوی موجب ایجاد جریان مثبت در ساختار مدرسه می‌شود. مفاهیمی چون رهبری خدمت‌گرا، تصمیم‌گیری ارزشی، عدالت‌محوری، و مسئولیت‌پذیری اخلاقی در این بخش آمده است. یکی از معلمان عنوان کرد: «وقتی مدیر مدرسه فقط به بخشنامه فکر نکنه و دلش با کار باشه، مدرسه نور می‌گیره.»

مضمون اصلی سوم: عوامل اجتماعی و فرهنگی کلان

۱. گفتمان معنویت در رسانه‌ها:

نقش رسانه در بازتولید و تقویت ارزش‌های معنوی یکی از دغدغه‌های مطرح‌شده بود. مفاهیمی چون تولید محتوای اخلاقی، تبلیغ سبک زندگی معنوی، مقابله با ابتذال رسانه‌ای، و الگوسازی مثبت در این زمینه مطرح شد. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «بچه‌ها از فضای مجازی خیلی تأثیر می‌گیرن، اگه اون فضا اصلاح نشه، آموزش معنوی سخت می‌شه.»

۲. سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عمومی:

وجود سیاست‌های حمایتی در سطح کلان در حوزه تعلیم و تربیت معنوی لازم دانسته شد. مفاهیمی مانند راهبردهای کلان معنوی، سیاست‌گذاری ارزشی، نظارت محتوایی، و تخصیص منابع تربیتی در این بخش بررسی شدند. یکی از کارشناسان گفت: «بدون سیاست روشن، تربیت معنوی تو مدرسه‌ها سلیقه‌ای و کم‌اثر می‌مونه.»

۳. عدالت تربیتی و دسترسی برابر به آموزش معنوی:

دسترسی یکسان همه اقشار به فرصت‌های تربیت معنوی از مهم‌ترین شاخص‌هاست. مفاهیمی نظیر محرومیت‌زدایی، حمایت از مدارس مناطق کم‌برخوردار، فرصت‌های برابر تربیتی و عدالت ارزشی در این زمینه شناسایی شد. یکی از مدیران گفت: «نباید فقط دانش‌آموز شمال شهر به کارگاه معنویت بره؛ همه باید سهمی داشته باشن.»

۴. مشارکت نهادهای دینی و فرهنگی:

مشارکت نهادهای مذهبی، فرهنگی و مدنی در تقویت آموزش معنوی در مدارس مورد تأکید قرار گرفت. مفاهیمی همچون همکاری مسجد و مدرسه، حضور مربیان فرهنگی، برنامه‌های مشترک دینی، و ظرفیت نهادهای محلی ذکر شد. یکی از معلمان اشاره کرد: «ما با همکاری مسجد محله، جلسات تربیتی برگزار می‌کردیم و خیلی تأثیرگذار بود.»

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر ارتقای سرمایه معنوی در آموزش و تربیت، به‌صورت کیفی و با بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۲۲ نفر از متخصصان و معلمان با تجربه در شهر تهران انجام شد. یافته‌های پژوهش در سه مضمون اصلی شامل بسترهای فردی، عوامل نهادی و مدرسه‌ای، و عوامل اجتماعی و فرهنگی کلان دسته‌بندی شدند. در مجموع، ۱۶ زیرمضمون و بیش از ۵۰ کد مفهومی شناسایی شد که هر یک بخشی از سازوکارهای ارتقاء سرمایه معنوی در بستر تعلیم و تربیت را بازنمایی می‌کنند.

یکی از نتایج کلیدی این پژوهش، اهمیت «خودآگاهی معنوی» و «هویت معنوی پایدار» در شکل‌گیری سرمایه معنوی در دانش‌آموزان بود. مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که معناجویی، درک هدف زندگی و انسجام اخلاقی نقش بنیادینی در تربیت معنوی دارند. این یافته با نتایج

تحقیقات Emmons (۲۰۰۰) و King (۲۰۰۸) همخوان است که تأکید دارند سرمایه معنوی بر پایه شناخت درونی و معنابخشی به زندگی فردی استوار است. همچنین، یافته‌های مربوط به «انگیزش درونی برای رشد معنوی» و «تاب‌آوری معنوی» نشان داد که سرمایه معنوی می‌تواند عاملی برای مقابله با چالش‌های روانی و رفتاری در محیط مدرسه باشد. این امر نیز با پژوهش‌های Pargament (۱۹۹۷) و Liu & Robertson (۲۰۱۱) در تأیید نقش سرمایه معنوی در بهزیستی روان‌شناختی سازگار است.

در سطح مدرسه‌ای، یافته‌ها نشان دادند که الگوهای رفتاری معلمان، فضای فرهنگی مدرسه، محتوای درسی معنویت‌محور، و شیوه‌های ارزشیابی تربیتی از عوامل کلیدی ارتقای سرمایه معنوی محسوب می‌شوند. این نتایج با دیدگاه Kessler (۲۰۰۰) همراستا هستند که نقش معلمان با گرایش معنوی و ارتباط عاطفی با دانش‌آموزان را در پرورش اخلاق و معنا بسیار مهم می‌داند. همچنین تأکید بر تعامل خانه و مدرسه در تربیت معنوی نیز با مطالعات Watson (۲۰۰۶) و Hay & Nye (۲۰۰۶) مطابقت دارد که بر مشارکت خانواده در آموزش ارزش‌ها و انتقال معنویت تأکید کرده‌اند. یافته‌های مرتبط با «رهبری معنوی مدیران» نیز به این نتیجه اشاره دارد که مدیرانی با گرایش معنوی، فضای مدرسه را به سوی همدلی، انصاف و ارزش‌مداری هدایت می‌کنند که این موضوع در راستای نظریات Zohar & Marshall (۲۰۰۴) در مورد تأثیر سرمایه معنوی در رهبری سازمانی است.

در بعد کلان، نقش سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و گفتمان معنوی رسانه‌ها به‌عنوان بستری برای ترویج و نهادینه‌سازی معنویت در آموزش شناسایی شد. مشارکت‌کنندگان تأکید کردند که در شرایطی که فرهنگ عمومی و سیاست‌های رسمی از تربیت معنوی حمایت کنند، مدرسه نیز توان بیشتری برای پرورش سرمایه معنوی خواهد داشت. این یافته با تحقیق Wolman et al (۲۰۰۱) هماهنگ است که نشان داد رسانه‌ها و ساختارهای فرهنگی در ترویج سبک زندگی معنوی و تقویت سرمایه‌های درونی مؤثرند. از سوی دیگر، مسئله «عدالت تربیتی در دسترسی به آموزش معنوی» نیز یکی از دغدغه‌های مطرح‌شده در این پژوهش بود که با مطالعات اخیر در حوزه عدالت اجتماعی و معنویت در آموزش همخوانی دارد (Tirri, 2011).

نکته جالب توجه در یافته‌ها، تلفیقی بودن سرمایه معنوی از آموزه‌های دینی، تجربه‌های درونی، و مشارکت اجتماعی بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان تأکید داشتند که معنویت، صرفاً در مفاهیم دینی خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل حس تعلق، خدمت به دیگران، تأمل‌گرایی و مسئولیت‌پذیری نیز هست. این نگرش با دیدگاه فرافرهنگی نسبت به سرمایه معنوی که در مطالعات Mitroff & Denton (۱۹۹۹) و Saks (۲۰۱۱) مطرح شده، هم‌راستا است.

از سوی دیگر، یافته‌ها نشان داد که سرمایه معنوی به‌صورت خودبه‌خودی در محیط آموزشی شکل نمی‌گیرد، بلکه نیازمند برنامه‌ریزی، بسترسازی و هماهنگی میان عوامل انسانی، ساختاری و فرهنگی است. برای مثال، وجود برنامه‌های درسی تلفیقی، معلمان تربیت‌یافته در حوزه معنویت، فضای مدرسه‌ای ارزش‌محور، و تعامل مؤثر با خانواده‌ها از پیش‌شرط‌های موفقیت در این مسیر هستند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که ارتقاء سرمایه معنوی در آموزش، نه یک روند فردی صرف، بلکه یک فرایند چندلایه و بین‌بخشی است که نیازمند طراحی نظام‌مند و حمایت راهبردی است.

در مجموع، نتایج پژوهش حاضر نه‌تنها عوامل زمینه‌ساز ارتقاء سرمایه معنوی را معرفی کرده، بلکه چشم‌اندازی برای طراحی سیاست‌های آموزشی مؤثر، توانمندسازی معلمان و توسعه برنامه‌های درسی مبتنی بر معنا فراهم ساخته است. این یافته‌ها می‌توانند مبنایی برای طراحی مداخلات تربیتی با رویکرد معنویت‌محور در سطوح مختلف آموزشی کشور باشند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافع وجود ندارد.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

References

- Emmons, R. A. (2000). Spirituality and intelligence: Problems and prospects. *International Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 57–64.
- Hay, D., & Nye, R. (2006). *The spirit of the child*. Jessica Kingsley Publishers.
- Kessler, R. (2000). *The soul of education: Helping students find connection, compassion, and character at school*. Association for Supervision and Curriculum Development.
- King, D. B. (2008). *Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure*. Trent University.
- Liu, W., & Robertson, P. J. (2011). Spirituality in the workplace: Theory and measurement. *Journal of Management Inquiry*, 20(1), 35–50.
- Mitroff, I. I., & Denton, E. A. (1999). *A spiritual audit of corporate America: A hard look at spirituality, religion, and values in the workplace*. Jossey-Bass.
- Pargament, K. I. (1997). *The psychology of religion and coping: Theory, research, practice*. Guilford Press.
- Saks, A. M. (2011). Workplace spirituality and employee engagement. *Journal of Management, Spirituality & Religion*, 8(4), 317–340.
- Tirri, K. (2011). The core of school pedagogy: Finnish teachers' views of the purpose of education. *Teaching and Teacher Education*, 27(6), 1222–1229.
- Watson, J. (2006). Every child matters and children's spiritual rights: Does the new holistic approach to children's care address children's spiritual well-being? *International Journal of Children's Spirituality*, 11(2), 251–263.
- Wolman, R. N., et al. (2001). The soul of the workplace: Organizational values and spiritual health. *Journal of Applied Behavioral Science*, 37(2), 91–115.
- Yazdani, N., & Murad, M. W. (2015). Toward an Islamic model of spiritual leadership. *International Journal of Business and Management*, 10(9), 46–56.